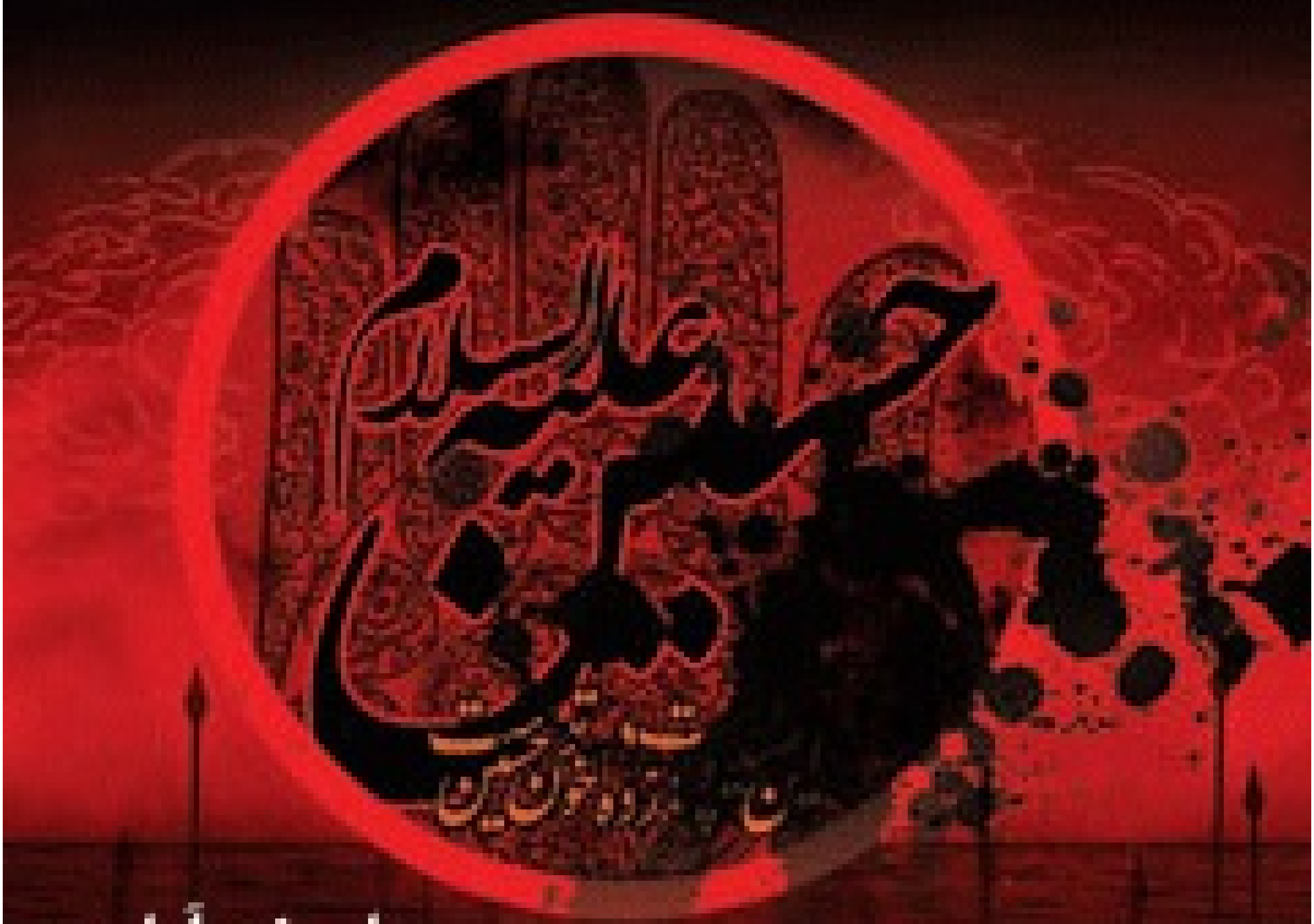
آسیب های اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام حسین علیه السلام



علی نورآبادی

بسم الله الرحمن الرحیم

آسیب های اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام حسین علیه السلام

نویسنده:

علی نورآبادی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

آسیب های اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام حسین (ع) ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

چکیده ----- ۶

ترک امر به معروف و نهی از منکر ----- ۶

انحراف حکومت وقت ----- ۹

نا آگاهی و جهالت توده مردم ----- ۱۵

انحطاط روحی و اخلاقی مردم ----- ۱۷

زنده شدن اخلاق جاهلی ----- ۱۷

فساد مالی بزرگان ----- ۱۹

پاورقی ----- ۲۲

درباره مرکز ----- ۲۵

آسیب های اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام حسین (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده : علی نور آبادی

ناشر: علی نور آبادی

چکیده

مقاله آسیبهایی که جامعه نوپای اسلامی را در عصر امام حسین (ع) تهدید می کرد تحت عناوین زیر مورد بررسی قرار می دهد:۱- رایج نبودن امر به معروف و نهی از منکر۲- وجود انحراف شدید در هرم حاکمیت جامعه اسلامی۳- جهل بیش از حد مردم که معاویه نقش مؤثری در آن داشت.۴- اختلال و انحطاط روحی مردم، مردم دوگانگی شخصیت شدیدی داشتند؛ یعنی قلبا از حکومت سخت ناراضی بودند ولی بر اساس منافع خود با حکومت همراهی می کردند و جرأت اعتراض نداشتند.۵- زنده شدن تمایلات و تعصبات قبیله ای زمان جاهلیتاین آسیبها چنان در روح و روان جامعه رسوخ کرده بود که حضرت سکوت را جایز ندانستند و با نثار خون پاك خود جامعه اسلامی را در مسیر اسلام ناب هدایت فرمودند.آسیبهای زیادی جامعه اسلامی زمان امام حسین (ع) را در برگرفته بود که باعث شد امام در خطبه ای که هنگام حرکت خود از مکه خواند، بفرماید: «من کان باذلا فینا مهجته و موطنا علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا فاننی راحل مصبحا ان شاء الله.» هر که آماده شهادت و دیدار با خداست با ما بیاید. من پول و کمك قبول نمی کنم. من فقط جان می خواهم. هر که حاضر است با ما حرکت کند.در این قسمت به طور خلاصه این آسیبها برشمرده خواهد شد:

ترک امر به معروف و نهی از منکر

مهمترین آسیب و انحرافی که جامعه زمان امام حسین (ع) را فراگرفته، و بشدت رایج بود، مطرح نبودن امر به معروف و نهی از منکر بود؛ به گونه ای که هر کس هر کاری می خواست انجام می داد. مردم، سخت مشغول کار و زندگی خود بودند و هیچ انتقادی هم نمی شد. این آشکارترین آسیبی بود

که امـام (ع) به خاطر آن قیام کرد؛ همچنانکه در وصـیتنامه اش به برادر خود محمـد بن حنیفه فرمود: و انی لم اخرج اشـرا و لا بطرا و لا مفسـدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصـلاح فی امه جـدی صـلی الله علیه و آله ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابیطالب: [۱] .من برای این خارج نشدم که فساد ایجاد کنم و ظلم کنم بلکه من خارج شدم برای طلب اصـلاح در امت جدم و پدرم علی (ع) و برخاسـتم تا امر به معروف و نهی از منکر کنم. این جمله مشخص می کنـد که این آسـیب چقدر مهم است و از طرفی چقدر جامعه آن زمان را فراگرفته بود که امام (ع) در وصـیتنامه خود فقط این آسـیب را ذکر، و بر اصـلاح این انحراف تصـریح می کننـد.اینکه امـام می فرماینـد من برای امر به معروف و نهی از منکر قیـام کردم مسـاله سـاده ای نیست. دکتر آیتی در این بـاره می گویـد: «شایـد بعضـی از مردم بـا دیـدن وصـیتنامه اش یا شـنیدن این کلمات چنان تصور می کردند و چنان می پنداشتند که امام حسین (ع) می خواهد برود به کوفه تا به کاسبها، به نانواهای کوفه بگویـد که کم فروشـی نکنیـد. به تاجرهـای کوفه بگویـد ربـا نخوریـد. این هم نهی از منکر است. به جوانهای کوفه بگویـد از نمازهایتـان غفلت نکنیـد این هم امر به معروف، و حـال اینکه مطلب از این حـد بالاـتر است. این قبیـل امر به معروف و نهی از منکر از عهده مسأله گوهای شهر کوفه هم ساخته است.» [۲] .آری هدف امام (ع) این مسائل کوچک

نیست بلکه مساله دین خدا و اسلام و چنانکه خود حضرت می فرماید اسیر بسیره جدی و ابی است. مساله زنده کردن سنت رسول الله (ص) است که پنجاه سال است روز به روز مرده و مرده تر می شود و او می خواهد این سنت را احیا کند؛ نه اینکه در کوچه راه برود و بگوید کم فروشی نکن.امام خمینی (ره) نیز آسیب را عامل قیام امام حسین (ع) می دانند و می فرمایند: «سیدالشهدا سلام الله علیه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود. فرمودند که می بینید که معروف عمل بهش نمی شود و منکر بهش عمل می شود. انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد.» [۳] .امام حسین (ع) باز در جای دیگر دربارهٔ این آسیب خطرناک چنین بیان می فرماید: «قال عقبه بن ابی العیزار: قام حسین (ع) بذی حسم فحمد الله و أثنی علیه ثم قال: انه قد نزل من الامر ما قدترون و ان الدنیا قد تغیرت و ادبر معروفها و استمرت حذاء فلم یبق منها الاصبابه کصبابه الاناء و خسیس عیش کالمرعی الوبیل الا ترون الحق لا یعمل به و ان الباطل لا یتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاء الله محقا فانی لا اری الموت الا سعاده و لا الحیاه مع الظالمین الا برما.عقبه بن ابی العیزار گفت: حسین (ع) در منطقه ذی حسم بر پای خاست پس خدا را شکر گزارد و او را ستود سپس گفت: چیزی پیش آمد که می بینید و به درستی که دنیا دگرگون و عوض شده است و نیکیهای آن پشت کرده اند و با شتاب در حال گذر است پس

از آن جز اندکی آب، چون ته مانده ای که حق به کار بسته نمی شود و از باطل جلوگیری نمی شود. حقا که مؤمن باید ملاقات با خدا را بخواهد. پس به راستی که من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنجش و انزجار نمی بینم.» [۴] .امام (ع) در اینجا آشکارا می فرماید که الا ترون ان الحق لا یعمل به و ان الباطل لا یتناهی عنه یعنی نمی بینید حق عمل نمی شود. امر به معروف نمی شود و تا جایی که بخواهی باطل است و نهی از منکر وجود ندارد.امام در دنباله می فرماید وقتی این آسیب، جامعه ای را فراگرفت و امر به معروف و نهی از منکری نبود لیرغب المومن فی لقاء الله محقا بسیار بهتر است که انسان بمیرد و به نزد خدا رود. جالب اینجاست که حضرت می فرماید من زندگی با این ظالمان و در چنین جامعه ای را جز رنج و سختی نمی دانم و مرگ را سعادت می پندارم. نه اینکه بمیرم در حالی که با ناراحتی باشد بلکه مرگ در این حالت سعادت است.درباره این آسیب در لهوف ابن طاووس آمده که «مسلم بن عقیل به ابن زیاد همین موضوع را یادآوری کرده و گفت: علت خروج ما این است که شما معروف را در گورستان مدفون ساختید. منکرات را آشکار نمودید. رفتار شما به رفتار کفار یعنی کسری و قیصر شبیه تر است تا رفتار یک رهبر مسلمان.» [۵] .پس از مجموع این قضایا می توان نتیجه گرفت که یکی از آسیبهای مهم اجتماعی زمان امام حسین (ع) خلأ و نبودن امر به معروف و نهی از منکر بود و این مساله بسیار مهمی است.

انحراف حکومت وقت

آسیب

دیگر جامعه اسلامی زمان امام حسین (ع) آسیب حکومت و رهبری جامعه بود. «امام (ع) در نامه ای به سعید بن عبدالله حنفی – از شهیدان روز عاشورا – می نویسد: فلعمری ما الامام الا الحاکم بالکتاب، القائم بالقسط به جان خودم قسم که امام و پیشوا و رهبر مسلمین نمی شود مگر آن کسی که به قرآن خدا حکم کند، میزان حکم او قرآن مجید باشد.«القائم بالقسط» در میان مردم به عدل و داد قیام کند «الدائن بدین الحق» خودش ملتزم به دین حق باشد. «الحابس نفسه علی ذات الله» آن کسی شایسته امامت و پیشوایی و رهبری است که خود را در راه خدا و بر خدا حبس می کند و به تعبیر روشن تر خود را وقف کند بر خدا یعنی او را جز خدا منظوری نباشد.» [۶] .اینجا حضرت در حقیقت چهار خصوصیت را برای رهبر جامعه اسلامی معرفی می کند. حال ببینیم این صفات در رهبر جامعه اسلامی آن زمان هست یعنی آیا این چهار خصوصیت را دارد؟قبل از هر چیز، حدیث دیگری از خود امام حسین (ع) درباره رهبر جامعه می آوریم تا ببینیم آیا رهبر جامعه اصلا حق رهبری را دارد یا نه تا بعد به آسیب او برسیم.حضرت می فرماید «و علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامه براع مثل یزید، و لقد سمعت جدی رسول الله (ص) یقول الخلافه محرمه علی آل ابی سفیان» یعنی بر اسلام سلام، یعنی با اسلام باید خداحافظی کرد و باید فاتحه اسلام را خواند. اگر واقعا کار امت اسلامی به آنجا برسد که رهبر امت اسلامی و زمامدار مسلمین جهان و قائد مسلمین و به تعبیر دیگر امام مسلمین

مردی مانند یزید بن معاویه باشد با اینکه من از جدم خاتم الانبیا (ص) شنیدم که می فرمود خلافت بر آل ابی سفیان حرام است.» [۷] .با این حدیث ما می فهمیم رهبری که کلاً حکومت کردنش حرام است و حق رهبری ندارد بر مسند است. در درجه اول بودن خود او آسیبی بزرگ است؛ حال با آوردن شواهدی این آسیب را بازتر و روشن تر می کنیم. امام حسین (ع) در نامه ای که به معاویه می نویسد می فرماید: «و امارتک صبیا یشرب الشراب و یلعب بالکلاب ما اراک الا و قداوبقت نفسک و اهلکت دینکه و اضعت الرعیه و الاسلام» [۸] «معاویه تو در مقامی هستی که کودکی را بر مسلمانها امیر می کنی – مراد یزید پسر معاویه است کودکی که شراب می نوشد و با سگها بازی می کند. معاویه می بینم تو را که خود را هلاک، و دین خود را تباه، و امت اسلامی را بیچاره کرده ای. [۹] .امام با این جمله ها ماهیت این آسیب را بخوبی نمایان می سازد و همه را بر ملا می کند تا مردم بدانند چه آسیبی بر جامعه اسلامی سایه افکنده است. مسعودی در شأن یزید و آسیب حکومت می گوئید: یزید مردی خوشگذران و عیاش بود. او کسی بود که حیوانات شکاری، سگ، میمون و یوزپلنگ داشت و پیوسته مجالس شرب خمر برپا می کرد. روزی در مجلس شراب خود نشست و پسر زیاد هم در طرف راست او بود و این بعد از آن بود که حسین بن علی را کشته بود پس به ساقی مجلس خود رو کرد و گفت:اسقنی شربه تروی مشاشی ثم من فاسق مثلها ابن زیادصاحب السر و الامانه عندی و لتسدید مغنمی

و جهادییعنی ای ساقی محفل به من جام شرابی ده پس برگرد و ابن زیاد را شاداب و سیراب کن آن کسی که رازدار من است آن کسی که امین کار من است آن کسی که محکمی کار من و مبنای خلافت من با دست او محکم شد و حسین بن علی (ع) را کشت. مسعودی بعد از جمله هایی که درباره ی یزید و مظالم و ستمکاریهای او می نویسد، می گوید که او مانند فرعون بود در میان رعیت. بعد می گوید: بل کان فرعون اعدل منه فی رعیته و انصف منه لخاصته و عامته بلکه فرعون در میان رعیت خود از یزید عادلتر بود و در میان مردم نسبت به خواص و عوام خود با انصافتر. مسعودی سپس می گوید این ناروایيها و بی باکیها و بی تقواییها و بی دینیهای یزید به ملت و امت اسلامی هم اثر کرد. حاصل سخن اینکه به حکم «الناس علی دین ملوکهم» «غلب علی اصحاب یزید ما کان یفعله من الفسوق» همان گناه هایی که یزد می کرد بر اصحاب او و کارمندان دولت او هم غلبه کرد. آنها هم همین کارها را از سر گرفتند «و فی ایامه ظهر الغناء بمکه و المدینه» وقتی دولت و زمامداران همه گنهکار می شوند، در روزگار او غنا و آوازه خوانی و موسیقی در مکه آشکار شد. «در مدینه لهو و لعب به کار برده شد» در مدینه هم مردم عادت کردند به غنا و نشستن پای خوانندگی خواننده ها «استعملت الملاهی...» و وسائل لهو و لعب به کار برده شد «و اشهر الناس شرب الشراب» مردم آشکارا شراب می نوشیدند چنانکه خلیفه شان آشکارا می نوشید «و کان له قرد» [۱۰] می گویند یزید

میمونی داشت که کنیه او ابوقیس بود که مسابقه می داد با افراد در بازی و... این فرد خلیفۀ اسلامی و جانشین رسول الله (ص) بود.آیا آسیب از این بیشتر و زشت تر که فردی شرابخوار و میمون باز، جانشین پیامبر (ص) شود؛ پس وای به حال آن جامعه، این مصداق همان ضرب المثلی است که می گوید:کدخدای ده که مرغابی بود بر سر آن ده چه رسوایی بودحال خلیفه مسلمین که فردی چون یزید بود پس وای بر حال آن امت اسلامی؛ اینجا سخن امام حسین (ع) صادق است که فرمود باید فاتحه اسلام را با رهبری یزید خواند و خداحافظی کرد.امام (ع) در جای دیگر بیان می دارند که آنها چگونه بودند و چه می کردند:«ایها الناس ان رسول الله (ص) قال من رای سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله ناکثا لعهد الله [۱۱] مخالفا لسنه رسول الله (ص) یعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله الا و ان هولاء قد لزموا طاعه الشیطان و ترکوا طاعه الرحمن و اظهروا الفساد و عطلوا الحدود و الستأثروا بالفیء و حلوا حرام الله و حرموا حلاله و انا احق من غیر.»فرمود: مردم جدم، نیای بزرگوارم پیغمبر شما امت اسلامی چنین گفت هر کسی که سلطان جائر و امام و پیشوا و رهبر بیدادگری را ببیند که حرامهای خدا را حلال می شمارد و حرمتهای خدا را در هم می شکند و پیمان خدا را نقض کرده است و با سنت رسول اکرم (ص) مخالفت می کند... فلم یغیر علیه بفعل و لا قول... اگر این مسلمان تغییر ندهد یعنی انتقاد نکند،

حاصل، قیام نکند، به پانخیزد، جلو راه این سلطان جائر را نگیرد یا با عملی و اقدامی یا هم با سخن لااقل، بر خدا واجب و لازم است که این مسلمان را به جای همان سلطان جائر ببرد.» [۱۲] .حضرت این آسیب را این طور معرفی می کند: «الا و ان هولاء قدلزموا طاعه الشیطان» فرمود مردم بدانید که اینان یعنی یزید و دستگاه او و کارگردانان او به دنبال پیروی شیطان می روند، طاعت شیطان را بر خود لازم کرده اند به تعبیر دیگر لزموا طاعه الشیطان همراه طاعت شیطان شده اند از اطاعت شیطان جدا نمی شوند، «و ترکوا طاعه الرحمن» از اطاعت پرودرگار کنا رفته اند و حرف شنوی از خدا را رها کرده اند و «اظهروا الفساد» فساد را در میان امت اسلامی آشکار کرده اند «و اعطلوا الحدود» حدود را تعطیل کرده اند. اگر کاسبی کار بدی، یک فرد عادی عملی موجب حد انجام دهد او را حد می زنند اما اگر از کسانی که طرفدار مصالح و منافعشان است کسی صد کار موجب حد ارکتاب کند یک شلاق هم بر گرده او نمی زنند که این مبنا از نیمه خلافت عثمان شروع و قیام هم از همانجا آغاز شد.و عطلوا الحدود معنی تعطیل حدود این است نه اینکه حد جاری نمی کنند، چرا؛ در زمان خلافت یزید هم دستها را می بریدند مردمان زناکار را حد می زدند و... ولی همه حسابها بر محور منافع آنها می چرخید نفیا و اثباتا... «و استأثروا بالفی ء» مال مردم، بودجه مردم را آنچه را باید به مصرف مصالح و منافع و رفع مشکلات و رفع مزاحمات و موانع سلامت و سعادت مردم برسانند آنها را اختصاص به خود

می دادند.» [۱۳] .

نا آگاهی و جهالت توده مردم

آسیب مهم دیگر که بطور گسترده مردم دچار آن بودند و کاملا هم رواج داشت و به گونه های متفاوت بین مردم شایع بود، جهل بیش از حدی بود که بر مردم حاکم بود که معاویه در این آسیب (جهل) نقش زیادی داشت. مسعودی درباره ی جهل مردم زمان امام (ع) می گوید: «از پیر مردی سئوال شده بود: علی کیست؟ وی گفت: پدر فاطمه پرسیدند: فاطمه کیست؟ گفت: زوجه پیغمبر (ص) دختر عایشه خواهر معاویه و علی همان کسی بود که در جنگ حنین با رسول الله جنگ کرده است». [۱۴] .این بخوبی نمایانگر آن است که واقعا چقدر نادانی حاکم بوده که حتی مردی مسن علی را نمی شناسد که چه کسی بوده است.درد دیگر مردم بی دردی و همج الرعاع بودن آنهاست. آنها به این درد بی درمان بطور وسیع دچار بودند. برایشان مهم نبود که در اطرافشان چه می گذرد. هر چه که دستور داده می شد همان را انجام می دادند و به درست و نادرست بودن آن اصلا فکر نمی کردند. حضرت روز عاشورا به این آسیب اشاره می کند و در یکی از خطبه هایشان چنین می گوید: «تبا لکم ایها الجماعه و ترحا.» ای گروه هلاکت باد شما را و مرده باد این جمعیت را که در اینجا فراهم شده اند برای کشتن من و بدبختی و رسوایی خویش «حین استرصرختمونا و الهین فاصرخناکم مرجغین» مگر نه شما همان مردمی هستید که یک ماه پیش از این ناله های شما از محیط عراق و کانون عراق یعنی کوفه بلند بود که ما یزید بن معاویه را به عنوان رهبر نمی شناسیم و ما آمدیم و به ناله شما پاسخ مساعد

دادیم، حالا چه می کنید. این نکته را توجه کنید «سللتم علینا سیفا لنا فی ایمانکم و حششتم علینا نارا اقتدحناها علی عدونا و عدوکم» می دانید حسین بن علی را با چه قدرتی می کشید می دانید رادمردان و تربیت کنندگان و بزرگترین سربازان فداکار صمیمی اسلام را با چه شمشیرهایی که ما به دست شما دادیم به رخ ما کشیده اید و همان آتشی را که ما برافروخته ایم برای دشمن خود و دشمن شما همان آتش را اکنون برای سوزانیدن و از بین بردن ما به کار می برید. «فاصبحتم البا لأعدائکم علی اولیائکم» سخن حسین بن علی (ع) این است که این یزید بن معاویه که امروز خلیفه شما مسلمین است این شخص دشمن شماست نه دوست شما، و شما مردمی که تشخیص را از شما گرفته اند و نمی توانید دوست و دشمن خود را از هم جدا کنید نمی توانید حافظ منافع و مضیع منافع خود را بشناسید همه تان یکدست و یکداستان شده اید علیه دوستان و به نفع دشمنان خود. «بغیر عدل افشوه فیکم» بی آنکه عدل و دادی در میان شما اظهار کرده باشند «و لا ـ امل اصبح لکم فیهم» و بی آنکه راستی امیدی و آروزیی به آنها داشته باشید» [۱۵] .امام (ع) با زیبایی تمام این آسیب را حقیقتا برای آنها ظاهر می کند آنجا که می فرماید شما کسانی هستید که تشخیص را از شما گرفته اند و نمی توانید دوست و دشمن خود را تشخیص دهید یعنی چه این جمله؟ یعنی شما چشم و گوش بسته مثل گوسفند به هر طرف که هدایتتان کنند بی چون و چرا می روید و هیچ اختیاری از خود ندارید و کورکورانه مجری مطیعی هستید

این است درد بی درمانی که همه چشم و گوشها را بسته است و امام از آن می نالد و می فرماید شما یک ماه پیش به من نامه نوشتید چگونه به این زودی تغییر یافتید.

انحطاط روحی و اخلاقی مردم

آسیب دیگری که متوجه مردم بود اختلال و انحطاط روحی بود. مردم دوگانگی شخصیت شدیدی داشتند؛ یعنی در قلب از حکومت سخت ناراحت بودند ولی بر اساس منافع خود با حکومت همراهی می کردند و جرأت اعتراض نداشتند همان مصداق قلوبهم معکم و سیوفهم علیکم بودند. این دوگانگی روحی بود که منافع خود را بر پسر پیامبر (ص) و فاطمه (س) ترجیح دادند و بر روی او شمشیر کشیدند. امام در یکی از سخنرانیهای خود در روز عاشورا خطاب به کوفیان می گوید: «فهلالکم الویلات ترکتمونا و مشیم و الجاش طامن و الرای لما یستحصف.» یعنی وای شما چرا آن وقت که هنوز شمشیرها در نیام و دلها آرام بود و ما تصمیم قطعی درباره حرکت به کوفه نگرفته بودیم ما را رها نکردید. [۱۶] یعنی شما که این ماهیت کثیف منافقانه و ترسو را در خود داشتید و حاضر نبودید منافع خود را بر من برتری دهید و جرأت به پاخاستن را نداشتید چرا از اول همین را آشکار نکردید و چرا با این وضع خود ما را دعوت کردید.

زنده شدن اخلاق جاهلی

مشکل و انحراف مهم دیگر مردم مشکل زنده شدن تمایلات و تعصبات قبیله ای زمان جاهلیت بود که مردم کاملا گرفتار آن بودند و این یکی از سیاستهای مهم معاویه برای حکومت بود که با حیای اخلاق زمان جاهلی بر آنها حکومت خود را استمرار می داد. دیگر اینکه «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» حاکم نبود و دوباره همان فخرهای نسبی و خونی زنده شده بود. مسعودی درباره مردم می نویسد: «از منکری اعراض نکرده و معروفی را نمی شناختند، رفت و آمدشان به جای مکتب و مدرسه اغلب نزد شعبده بازان

افسونگر و قسه سرایان دروغگو بود و اگر اجتماعی داشتند یا آنجا بود که شخصی را شلاق می زدند و یا مردی را دارآویز می نمودند. اسباب تشویقشان به لهویات وکارهای بیهوده فراهم بود و عموما از برابری بدکار با نیکوکار باکی نداشتند. از الحاق دیندار به کافر واهمه نمی کردند و خلاصه همان بودند که علی (ع) فرمود: «همج الرعاع اتباع کل ناعق...» انسانهای مذبذب که نه ایمان داشتند و نه بی دین بودند مانند شاخه بید موافق هر بادی می رقصیدند.» [۱۷] .در پایان جمله ای دیگر از امام حسین (ع) درباره این مردم است که می فرماید: «و الله لخذل فیکم المعروف و قد و شجت علیه عروقکم و توارث علیه اصولکم...» یعنی قسم به خداوند ای مردم، خوبیها و معارف بین شما خوار شده و رگ و ریشه زندگی شما بیدن خواری نشود و نمو یافته است. [۱۸] امام با یک بیان چهره کلی مردم را بیان می کند و می فرماید که ریشه شما در بین خواری و ذلت رشد یافته است و همین بس است که آسیب جامعه را بیان کند.دکتر شهیدی در کتاب خود مردم زمان را به چند گروه تقسیم می کند. در واقع می توان گفت علل این آسیبها هم مختلف است که به برخی از آنها برای نمونه اشاره می شود:۱- اکثریت قریب به اتفاق نسل مسلمان که آن روزها در شبه جزیره عربستان زندگی می کردند در پایان خلافت عمر متولد شده و در عصر عثمان پرورش یافته بودند و در آغاز حکومت معاویه وارد اجتماع شده بودند.۲- پنجاه ساله های این نسل، پیغمبر را ندیده و شصت ساله ها هنگام مرگ وی ده ساله بوده اند از آنان که

پیغمبر (ص) را دیـده و صـحبت او را دریـافته بودنـد چنـد تنی بـاقی بودنـد که در کوفه، مـدینه، مکه و یا در دمشق به سـر می بردند.۳- آن دسـته از مسـلمانان که سـختگیری عصر عمر را دیده بودند و از بیم بازخواست شدن او مجبور بودند ظاهر کار را حفظ کنند با برخورداری مالی که در دوره بعد نصـیب آنان شد برای خود زندگی آسوده ای آماده کرده بودند تا در روزگار پیری و ناتوانی از آن بهره منـد شونـد و چون نمی خواسـتند آسایش خود را بر هم بزننـد، هر حادثه ای که پیش می آمد - هر چنـد مخـالف ظاهر دین بود - برای آن تأویلی یا محملی درست می کردنـد تا از سـرزنش وجـدان در امان باشـند.۴- آشنایی مردم این سـرزمین بـا طرز تفکر همسایگـان و راه یـافتن بحثهـای فلسـفی در حلقه های مسـجدها راه را برای گریز این دسـته از مسئولیتهای دینی فراختر می کرد.۵- هر اندازه مسـلمانان از عصـر پیغمبر (ص) دور می شدند، خویها و خصـلتهای مسلمانی را بیشتر و بیشتر فراموش می کردند و سیرتهای عصر جاهلی بتدریج بین آنان زنده می شد.» [۱۹] .

فساد مالی بزرگان

آسـیب بعدی که بسیاری از مسلمانان این دوره داشتند فساد مالی شدید بود. همه فقط دنبال منافع خود بودند و در این فکر که داراییهای خود را زیاد کنند که این آسـیب از چند علت پدید می آمد از جمله یکی این بود که مسـلمانان بعد از رحلت پیامبر (ص) سرزمینهای زیادی را فتح کردند و از این طریق منافع سرشاری از راه غنائم نصیبشان شد و در سراشیبی پول و مال پرستی افتادند. عامل دیگر که می توان ذکر کرد بذل و بخششهای بی حدی بود که در زمان

عثمان بی حساب و کتاب به افراد زیادی داده می شـد. پس انـداز و جمع این پولها باعث شد مسـلمین دیگر آن ساده زیستی و زهدی که در زمان صدر اسـلام داشـتند، از دست بدهند. از سوی دیگر چون در فتوحات از نزدیک وضعیت شاهان ساسانی و رومی را دیده بودند و برای اولین بار بود که عرب این وضع را می دید بشدت شیفته آن شد، این روند تجملاتی سرعت یافت و آن زهد زمان ماضـی بکلی از یاد رفت.برای نمونه چند مورد شاهد می آوریم؛ مسعودی در مروج الذهب می نویسد: «وقتی خود عثمان بن عفان که یکی از خلفای اسـلامی بود از دنیا رفت و کشـته شـد - با آن تفصـیلی که در آن تاریـخ است - از او ۱۵۰ هزار دینـار طلا و یک میلیون درهم نقره باقی مانـد این همان خلافتی است که علی بن ابیطالب بعـد از عثمان خلافت می کنـد و از دنیـا که می رود امـام حسن (ع) بالای منبر فریاد کرد که از پـدرم پول زردی یعنی طلا و پول سـفیدی یعنی نقره ای باقی نمانـد جز ۷۰۰ درهـم - در حـدود ۴۰ تومـان پـول نقره که این پـول هم از سـهم او و از حقـوق و مقرری او زیـاد آمـد و خواست که برای خانه خود خادمی از این پول تهیه کنـد.» [۲۰] .باز مسعودی می نویسد: «قیمت املاک عثمان در وادی القری و حنین و جز این دو جا ۱۰۰ هزار دینار طلا شد با اسبها و شتران بسیاری که داشت.» [۲۱] .باز مسعودی می نویسد: «زبیر که به تعبیر من و مطابق آن حدیث یکی از بهشتی های دیگر است کاخ معروفی در بصره

و خـانه هـای زیادی در بصـره و کوفه و اسـکندریه مصـر ساخت. مال زبیر و دارایی او در حال مرگ وی ۵۰ هزار دینار طلا و ۱۰۰۰ اسب و ۱۰۰ کنیز و غلام و مسـتغلاتی فراوان در شـهرهای مختلف بود.» [۲۲] .باز هم مسـعودی می نویسد: عبدالرحمان بن عوف زهری که یکی از همـان ده بهشـتی است خـانه وسـیعی سـاخت، ۱۰۰ اسب در اصـطبل وی بسـته می شـد ۱۰۰۰ شتر داشت، ۱۰۰۰۰ گوسفند داشت.» [۲۳] .این نمونه هـایی بود و تو خود حـدیث مفصـل بخوان از این مجمل که چگونه و چطور مـال و دنیـاپرستی مردم را دیوانه کرده، و تمـام تلاشـشان جمع مـال و دنیـا بود.در پایان، بیان خود امام را در این خصوص می آوریم: «امـام در خطبه ای که در مکه ایراد می کنـد می فرمایـد: و کـانی باوصـالی تتقطعهـا عسـلان الفلـوات بین النـواویس و کربلا» گویا می بینیم و چیزی نخواهـد گـذشت که گرگان گردنه عراق میان نواویس و کربلا به من حمله می کنند و بدن مرا پاره پاره می کننـد و بنـد از بند من جدا می کنند «فیلمان منی اکراشا جوفا و اجربه سـغبا» تا شـکمهای گرسـنه و جیبهای خالی خود را پر کنند.» [۲۴] .حضـرت در این بیان کوتاه و در دو جمله در حقیقت این آسیب جامعه زمان خود را بطور زیبا بیان می کند که آنها چگونه اند و چه می خواهند.اینها مهمترین آسـیبهای جامعه اسلامی زمان امام حسین (ع) است که جامعه را چنین احاطه کرده بود که با خطابه و منبر و حدیث و غیره درست نمی شد و آنطور که خود امام (ع) فرمود: فقط با شـهادت و خون، این جامعه بیدار و دین مرده احیا خواهد شد

و باز طبق فرموده امام (ع) «انا احق من غیر» که سزاوارتر از همه من هستم سپس امام رفت و شهادت را که در نزد او جز سعادت نبود بگزید تا اسلام و سنت جدش و پدرش تا قیامت زنده باشد.

پاورقی

[۱] جزء عاشر بحار از مقتل محمد بن ابیطالب موسوی.

[۲] گفتار عاشورا – انتشار – مهر ۱۳۶۰ – تهران –صفحه ۲۶.

[۳] صحیفه نور – ج ۲۰ / ص ۱۸۹.

[۴] تحف العقول ص ۲۴۹.

[۵] لهوف – سید بن طاووس ص ۳۳.

[۶] گفتار عاشورا – انتشار – مهر ۶۰ – تهران – ص ۱۵۹.

[۷] همان ص ۱۵۷.

[۸] الامه و السیاسه – ابن قتیبه – چاپ مصر – ۱۳۵۶.

[۹] گفتار عاشورا – انتشار – مهر ۶۰ – تهران. [

[۱۰] گفتار عاشورا – انتشار – تهران – مهر ۶۰ – مقاله دکتر آیتی ص ۲۰ – ۲۱ – او عبارات عربی را از مروج الذهب – مسعودی – ۷۷ – ۷۸: ۳ نقل می کند.

[۱۱] «لحرام الله ناکثا لعهد الله» درست است.

[۱۲] همان مأخذ ص ۱۶۳.

[۱۳] همان – ص ۱۶۴.

[۱۴] مروج الذهب ج ۳:۳۳.

[۱۵] گفتار عاشورا – انتشار – تهران – مهر ۶۰ –ص ۱۶۶ – ۱۶۷.

[۱۶] احتجاج – ج ۲:۲۴.

[۱۷] مروج الذهب مسعودی – ج ۳:۳۵.

[۱۸] تحف العقول - صفحه ۲۴۱.

[۱۹] قیام حسین (ع) - دکتر جعفر شهیدی - دفتر نشر و فرهنگ اسلامی - ۱۳۵۹ - ص ۱۰۷.

[۲۰] مروج الذهب - مسعودی - چاپ مصر - ۱۹۴۷ م - ج ۲:۴۲۶.

[۲۱] مروج الذهب - ۲:۳۴۱.

[۲۲] همان - ۳۴۲ - ۳۴۳۰: ۲.

[۲۳] همان - ۳۴۲ - ۳۴۳: ۲.

[۲۴] گفتار عاشورا - تهران - انتشار - مهر ۶۰ - ص

.۳۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹